

تحلیلی بر تمایز جنسیتی در الگوهای فراغت جوانان شهر اصفهان

محمد تقی ایمان^۱

مریم سروش^۲

یاسر رستگار^۳

مسعود حاج بنده^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۳/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۴/۱۸

هدف پژوهش حاضر، مطالعه الگوهای فراغت در بین جوانان شهر اصفهان با تاکید بر تمایز جنسیتی است. با توجه به اینکه جهان ارزش ها، باورها و سبک های زندگی در میان دو جنس زن و مرد می تواند متفاوت باشد، پرسش اساسی مقاله حاضر این است که آیا متغیر جنسیت همچون گذشته در الگوهای فراغت تعیین کننده است یا اهمیت خود را از دست داده است؟

روش به کار رفته در مطالعه حاضر ترکیبی بوده است؛ بدین ترتیب که ابتدا با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه به شناسایی الگوهای فراغت پرداخته و سپس از طریق مصاحبه هدفمند با جوانان دختر و پسر، الگوهای شناسایی شده در بخش کمی، تفسیر و معناکاوای شده اند. جامعه آماری پژوهش حاضر، جوانان ۲۰-۲۹ ساله ساکن در شهر اصفهان بوده اند که به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای، ۱۷۴۸ پرسشنامه در بین آنها توزیع گردید. در بخش کیفی نیز با به کارگیری نمونه گیری هدفمند، ۲۷ مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام گرفت و پس از کدگذاری داده ها، ارزیابی و تحلیل انجام شد. نتایج بخش کمی مطالعه حاضر گویای آن است که شش الگوی فراغت در بین دختران جوان قابل شناسایی است که به ترتیب اهمیت عبارت اند از: فراغت مذهبی، فراغت مبتنی بر تفریحات بیرون خانه، فراغت مبتنی بر تفریحات درون خانه، فراغت مبتنی بر مطالعه، فراغت نامعمول و فراغت مشارکتی. در میان پسران جوان نیز شش الگو کشف شد که عبارت اند از: فراغت سنتی -

E-mail: Iman@shirazu.ac.ir

^۱ - استاد جامعه شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ - استادیار جامعه شناسی، عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی، واحد شیراز، شیراز، ایران

^۳ - استادیار جامعه شناسی، دانشگاه هرمزگان، هرمزگان، ایران

^۴ - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، مسئول گروه پژوهش های شهری و اجتماعی

ایرانی، فراغت مذهبی، فراغت فرهنگی - هنری، فراغت مشارکتی، تماشای فیلم و سریال و فراغت مبتنی بر گذران وقت با دوستان. نتایج بخش کیفی از تفاوت های ظریف و مهمی در این میان حکایت دارد؛ چنان که فراغت پسران در مقایسه با فراغت دختران جوان، فعالانه تر، متنوع تر و جسورانه تر و در مقابل فراغت دختران، محافظه کارانه و منفعلانه معنا شده اند.

بدین ترتیب می توان گفت که الگوهای فراغت در بین جوانان علی رغم برخی مشابهت ها، همچنان متاثر از جنسیت، انتخاب و مصرف است.

واژگان کلیدی: الگوهای فراغتی، تمایز جنسیتی، رویکرد ترکیبی، جوانان و اصفهان

مقدمه

اوقات فراغت به عنوان مفهوم جدیدی که محصول جدایی کار از خانه، پیشرفت‌های فناورانه و تقسیم کار اجتماعی است، این فرصت را مهیا کرده که انسان‌ها از اجبارها و محدودیت‌های نظم اجتماعی مدرن رها شوند (کیویستو، ۱۳۸۰: ۸۰). بدین ترتیب با حرکت به سوی زندگی مدرن، شاهد تفکیک فزاینده میان ساعات کاری و غیرکاری هستیم. از این رو، در جوامع جدید امکان فراغت بیشتری برای افراد فراهم گشته و شیوه گذران آن به یک بحث قابل تأمل تبدیل شده است. از سوی دیگر، یکی از عرصه‌های مهمی که در مطالعات اجتماعی و پژوهش‌های فرهنگی برای شناخت تحولات ارزشی و نگرشی و سبک‌های جدید زندگی مورد توجه قرار می‌گیرد، عرصه فراغت است، زیرا این عرصه به دلیل داشتن الزامات کمتر و آزادی عمل بیشتر، فضای ایده‌آلی برای بازنمایی ارزش‌ها و نگرش‌ها و ذائقه‌های فرهنگی محسوب می‌شود (رفعت‌جاه، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

فراغت نیز مانند بسیاری از پدیده‌های زندگی، متأثر از شرایط و زمینه‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی است. عوامل بسیاری بر نوع انتخاب افراد در چگونگی گذران فراغت تأثیرگذارند که یکی از مهمترین آنها، محیط و شرایطی است که فرد در آن قرار دارد و به عبارتی، بافت اجتماعی فرد را شامل می‌شود (تورکیلدسن، ۱۳۸۲: ۱۷۲).

فراغت، مفهومی است که همیشه با ابهاماتی همراه بوده است. لذا تعاریفی که توسط صاحب‌نظران و پژوهشگران این عرصه ارائه شده بسیار پراکنده، متنوع و گاهی متناقض است. برای مثال در یک تعریف، فراغت مجموعه اشتغالاتی است که فرد کاملاً به رضایت خود یا برای استراحت و تفریح یا به منظور توسعه و آموزش یا مشارکت اجتماعی داوطلبانه، بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به آن می‌پردازد (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۶). انتخاب فعالیت فراغت، نشانه‌ای از ارزش‌های فرهنگی و سلیقه فرد نیز می‌باشد. طبیعی است که گاهی مصرف فرهنگی نیز بخشی از فراغت است، اما هر فعالیت فراغتی، مصرف فرهنگی نیست و مصرف فرهنگی نیز همواره در اوقات فراغت انجام نمی‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۲۸). بدین ترتیب گاهی نیز فراغت در ارتباط با مصرف فرهنگی تعریف می‌شود. علاوه بر آن، اوقات فراغت عرصه ظهور و بروز سبک‌های زندگی است و مفهومی عینی و گویاست که سبک زندگی و در نتیجه هویت را در گویاترین و محسوس‌ترین شکل خود بیان می‌دارد (فکوهی، ۱۳۸۲: ۱۳۷).

از سوی دیگر، فراغت عرصه ای است که اختیار و آزادی انسان ها در آن بیشتر قابل اعمال است به این ترتیب فراغت می تواند فرهنگ ایجاد کند و هویت افراد را آشکار سازد (روجک، ۱۳۸۸: ۱۲). این اختیار و آزادی در دوره جوانی بیشتر و امکان عبور از محدودیت ها در این دوره سنی بیشتر فراهم است. از همین روست که اوقات فراغت، مجرای شناخت دوره جوانی و به رسمیت شناختن هویت جوانی است، چرا که افراد به واسطه فراغت، کلیشه ها، الگوها و قواعد خاص سبک زندگی و هویت اجتماعی خود را بازگو می کنند (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۰).

عمده پژوهش های انجام گرفته در ایران تلاش کرده تا ارتباط متغیرهای اجتماعی با الگوی فراغت را شناسایی کند. یکی از مهمترین این مفاهیم، جنسیت است. اینکه جنسیت به عنوان یک متغیر زمینه ای همچنان دارای اهمیت است یا کارایی خود را در تعیین الگوهای فراغت از دست داده، بحثی قابل تامل در این زمینه می باشد. برخی بر این عقیده اند که با ورود به دنیای مدرن در سال های اخیر و شکل گیری یک سبک زندگی مصرفی، الگوهای فراغتی در میان دو جنس به هم شبیه شده و برخی نیز این نگاه را سطحی تلقی کرده و همچنان بر اهمیت جنسیت در تحلیل ها تاکید دارند. از این رو سؤال اساسی مقاله حاضر این است:

الگوهای فراغت در میان زنان و مردان جوان چگونه اند؟ آ الگوهای فراغتی، جنسیت زدا شده اند یا همچنان متأثر از جنسیت افراد، انتخاب و مصرف می شوند؟

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی درباره الگوهای فراغت در ایران انجام گرفته است. برای مثال، "فراغت و هویت" (ابراهیمی و بهنویی، ۱۳۸۸؛ ربانی و شیری، ۱۳۸۸؛ ساروخانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ ایمان و بوستانی، ۱۳۸۹)؛ "رسانه و فراغت" (رستگار خالد و همکاران، ۱۳۹۵؛ عبدی و فخری، ۱۳۹۰؛ رضایی و محمدی، ۱۳۹۳)؛ "فراغت و سلامت" (هزارجریبی و ارفعی، ۱۳۹۱)؛ "فراغت و نابرابری" (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹) و همچنین عمده مقالات دیگری نیز به تبیین جامعه شناختی فراغت پرداخته و بر متغیر و مفهوم خاصی تاکید نداشته است. در این میان، یک پژوهش نیز به طور خاص بحث فراغت را مبتنی بر عامل جنسیت تحلیل کرده است. سفیری و مدیری (۱۳۸۹) در مقاله ای به فراتحلیل تفاوت های جنسیتی در اوقات فراغت پرداخته و بر این یافته تاکید

داشته اند که فراغت به شدت متأثر از عامل جنسیت است؛ به گونه ای که مردان نسبت به زنان از فراغت بیشتری برخوردارند و رضایت بالاتری از نحوه گذران فراغت خود دارند.

بارگمن و ون ایک^۱ (۲۰۰۴) در مقاله ای با عنوان "اثر درحال تغییر زمینه اجتماعی بر سبک زندگی" به بررسی زمینه های اجتماعی افراد بر نوع مصرف فرهنگی و فعالیت های فراغتی پرداخته اند. نتایج این پژوهش نشانگر آن است که درآمد و جنسیت در کنار جامعه پذیری، مهمترین عوامل تعیین کننده این الگوها هستند.

بیتمن و وایمن^۲ (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان "ساعت شلوغی، زمان فراغت و تساوی جنسیتی" به تمایز بنیادین در فراغت زنان و مردان اشاره دارند. مهمترین عامل در تمایز این الگوها به کار خانگی زنان مربوط می شود که باعث می شود شکل و الگوی فراغت زنان تحت تاثیر آن قرار گرفته و نوعی فراغت تکه پاره را در اختیار آن ها قرار دهد. همچنین، فراغت مردان نوعی فراغت خالص است؛ بدین معنی که وقتی مردان از کار فارغ می شوند با نوعی فراغت ناب روبرو هستند، اما این فرصت برای زنان مهیا نیست.

آزودو^۳ و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی در سطح ملی به بررسی فعالیت های بدنی افراد در اوقات فراغت زنان و مردان کشور برزیل پرداختند. مهمترین هدف مطالعه مذکور، بررسی تمایزات جنسیتی در الگوهای فراغت بوده است. این پژوهش به روش پیمایش در بین ۱۳۴۴ مرد و ۱۷۵۶ زن انجام گرفته و ابعاد مختلف فعالیت های فراغتی سنجش شده است. نتایج این طرح ملی بیانگر آن است که فعالیت های فراغتی در بین زنان و مردان متفاوت است؛ بدین ترتیب که فراغت مردانه فعالانه تر و به طرز قابل توجهی بیشتر از زنان است. از دیگر نتایج این پژوهش وجود محدودیت ها و موانع بیشتر بر سر راه فراغت زنان است که همین امر امکان انتخاب فراغت های فعالانه تر را از آنها سلب می کند.

مبانی نظری و مفهومی پژوهش

به طور کلی، برداشت های متنوع و بعضاً متفاوتی از فراغت وجود دارد. بهتر است برای فهم دقیق تر اصطلاح فراغت، واژگان و مفاهیم مرتبطی که به جای فراغت به کار می رود، مرور شود. فراغت، گاهی به جای واژه هایی چون: سرگرمی^۴، وقت آزاد^۵، بازی^۱ و... به کار می رود. فراغت همچنین با زمینه های اجتماعی و

^۱ - Bargeman & Van Eijck

^۲ - Bittman & Wajcman

^۳ - Azevedo

^۴ - recreation

^۵ - free time

فرهنگی زندگی در ارتباط است. هنگامی که برخی افراد به فراغت می‌اندیشند، همزمان به این فکر می‌کنند که چه کاری انجام ندهند. برخی افراد فراغت را به مثابه دوره‌ای از زمان تلقی می‌کنند که آن را "وقت آزاد" می‌نامند. (هیومن کینتیکس، ۲۰۱۰: ۵-۶). باید اضافه کرد که اصطلاحات فراغت و سرگرمی، به طور فراوانی به جای یکدیگر به کار می‌روند، بویژه هنگامی که فراغت به عنوان فعالیتی برای سرگرمی تعریف شود. گاهی اوقات آن چه افراد بیان می‌کنند که برای فراغت انجام می‌دهند، همان چیزی است که برای سرگرمی به کار می‌گیرند. سرگرمی به دلیل نتایج آگاهانه یا ناآگاهانه‌ای که دارد، انجام می‌شود. برخی افراد نیز اصطلاح "بازی" را به جای فراغت به کار می‌گیرند. به هر حال، فراغت به طور بسیار وسیعی متأثر از شرایط بیرونی افراد است. موقعیت اجتماعی ما، مشخصات جمعیت شناختی، اجتماع، محیط طبیعی ما و قوانین و سیاست‌های دولت، چگونگی مواجهه ما با فراغت و معنای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان: ۷ و ۱۰).

هندرسون^۲ اشاره دارد که ترجیحات فردی و شخصی افراد، مستقل از آثار اجتماعی و فرهنگی بیرونی نیست. یک زمینه فرهنگی در اینجا، در بردارنده نگاه یکپارچه‌ای به فراغت است که طی زمان و مکان و در ارتباط با دلالت‌های ذهنی اجتماعی رخ می‌دهد (رابرتس، ۱۹۹۹). روجک^۳، پژوهشگر شناخته‌شده این عرصه معتقد است که فراغت هرگز جدای از هنجارهای اجتماعی نیست. زمان و مکان فراغت به طور پیوسته توسط کنش‌های افراد در جهان اجتماعی‌شان، ایجاد و بازسازی می‌شود (روجک، ۱۹۸۹).

برخی محققان معتقدند که اصطلاح فراغت از یک منظر جهانی و به ویژه زبان‌شناختی، مفهومی مسئله‌دار^۴ (پروبلماتیک) است و توصیه می‌کنند که اصطلاح فراغت در پژوهش‌هایی که در فرهنگ‌های غیرغربی انجام می‌گیرد به کار برده نشود، چرا که فراغت در فرهنگ‌های گوناگون به طور متفاوتی تعریف شده و بویژه در یک تفکر خطی اروپایی و آمریکای شمالی به کار گرفته شده و لذا مفهومی قوم‌مدارانه است (هیومن کینتیکس، ۲۰۱۰: ۱۱).

از همین روست که واکاوی الگوی فراغت در بستر فرهنگ، جایگزین رهیافت‌های غیرفرهنگی به الگوهای فراغت شده و سمت و سوی مطالعات فراغت را تا حدی تغییر داده است. کریس روجک معتقد است بخش

¹ - play

² - Henderson

³ - Rojek

⁴ - problematic

عمده ای از فعالیت های فراغت در حال حاضر از منشور فرهنگ قابل فهم هستند، نه از طریق تحلیل طبقاتی. وی معتقد است که استعمار فراغت توسط فرهنگ مصرف، نشانگر تجاوز بی امان تجاری سازی و بت وارگی کالا به اوقات آزاد است که مقاومتی را در برابر خویش شکل می دهد. این امر نشانگر آن است که مقاومت، از کارکردهای مهم فراغت است. (روجک، ۱۳۸۸: ۱۴۸).

اوقات فراغت و نحوه گذران آن با اهمیت یافتن سبک زندگی، اولین و مهمترین حوزه ای بود که مورد توجه محققان قرار گرفت؛ به طوری که نظریه های مستقلی درباره گذران اوقات فراغت تدوین شده و نشریات علمی زیادی در این زمینه منتشر گردیده است. اوقات فراغت بیش از همه فعالیت های دیگر با سبک زندگی و مفهوم آن ارتباط دارد. با ایجاد جامعه سرمایه داری، محل زندگی از محل کار جدا شد و سازمان کار از کار خانوادگی به کار مزدبگیری در کارخانه ها و کارگاه ها تغییر کرد. بنابراین زندگی به سه بخش تقسیم شد: کار (اشتغال درآمدزا)، کارهای ضروری روزمره (خواب، خوراک و بهداشت) و اوقات فراغت (رفعت جاه، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

فعالیت های فراغت با توجه به فهم ساختار شغلی تحلیل می شد و فراغت در آن به عنوان فعالیت "وقت آزاد" و دور شدن از شغل فهمیده می شد. پارکر نماینده این نوع تحلیل است. پارکر بر اساس این تعریف سه سنخ فعالیت فراغتی را تشخیص داده است: فراغت به عنوان دنباله کار، فراغت متضاد با کار و فراغت خنثی. در سنخ اول، فعالیت های فراغت و کار غیرقابل تفکیک هستند. این نوع فراغت معمولاً در گروهی از مردم که سطح تحصیلات بالا دارند مشاهده می شود. سبک فراغتی متضاد نشان دهنده فعالیت هایی است که با شغل فرد تضاد دارند و فرد در اوقات فراغت خود از فعالیت های شغلی کاملاً جدا شده و فعالیت های بسیار متفاوتی را انجام می دهد. در این الگو، فعالیت های شغلی اساساً برای ایجاد فرصت های فراغتی انجام می شوند و خود ماهیت کار اهمیت زیادی برای فرد ندارند. این الگو معمولاً در افرادی با شغل هایی با سطح مهارت پایین دیده می شود.

الگوی فراغتی خنثی، الگویی است که در آن فعالیت های فراغتی، مستقل از فعالیت های کاری است و هیچ رابطه ای چه به صورت تضاد و چه به صورت دنباله روی با آن ندارد (وین، ۱۹۹۸: ۲۶-۲۵). وین (۱۹۹۸) انتقاداتی را که به این دیدگاه وارد شده، بیان کرده است. این انتقادات از دو جنبه جنسیتی و اجتماعی صورت گرفته است. دسته اول، انتقاداتی است که فمینیست ها بر این تعریف وارد دانسته اند. از نظر آنها این سنخ بندی از نظر جنسیتی، کور است و اصولاً شامل زنان نمی شود. در این معنا زنان اصولاً اوقات فراغت ندارند، زیرا بیشتر آنها در کارهای مزدبگیری بیرون از خانه درگیر نیستند و مشغول به کار بی مزد خانه داری و بچه داری می باشند.

در نتیجه، این تعریف از فراغت برای آنها صدق نمی‌کند. دیم^۱ اشاره کرده است که به همین دلیل تا وقتی که زنی وارد بازار کار تمام وقت نشده باشد، مردان احساس نمی‌کنند که زنان نیاز به اوقات فراغت و وقت آزاد دارند و اساساً تجربه زنانه از فراغت یک تجربه دست دوم است (همان: ۲۸). دیم و گرین^۲ و همکارانشان اشاره کرده‌اند که بسیاری از زنانی که در کار خارج از خانه مشغول نیستند، معمولاً فضاهای فراغتی خود را درون و در طول روتین‌های کار خانگی ایجاد می‌کنند. گرین اشاره می‌کند که فعالیت‌های فراغتی که زنان معمولاً انجام می‌دهند آنهایی هستند که می‌توان آن را در خانه انجام داد، در فاصله‌های کوچک زمانی که بین کارها وجود دارد، قابل انجام باشد و اگر لازم باشد بتواند به راحتی قطع شود. دیم نیز اشاره می‌کند که فراغت زنان معمولاً گرفته شده از همان فعالیت‌ها و وظایفی است که بخشی از کار زنان در خانه را تشکیل می‌دهد. عجیب نیست که بسیاری از فراغت زنان شامل خیاطی، سوزن‌دوزی، آشپزی، مطالعه، تماشای تلویزیون و ... می‌شود. همه این فعالیت‌ها را می‌توان در برنامه‌های زمانی تکه تکه شده زنان جا داد. کار خانه و مسئولیت‌های نگهداری از بچه‌ها با یک روز کاری رسمی معمولی متناسب نیست و معمولاً بسیاری از زنان همیشه گوش به زنگ هستند که این امر برای برنامه‌ریزی فراغتی قطعی و پیشرفته، اشکال ایجاد می‌کند (همان: ۱۱۴-۹۶). گرین و همکاران سه مانع اساسی برای فراغت زنان مطرح می‌کنند: زمان فراغت، فعالیت فراغتی و فضای فراغت. به زعم آنها زنان هیچ‌گاه نمی‌توانند مانند مردان، زمان خالصی برای فراغت خود کنار بگذارند به دلیل آنکه کارهای خانگی در طول شبانه روز پراکنده هستند. همچنین، فعالیت‌های فراغتی نیز جنسیتی است و زنان به مانند مردان امکان انجام بسیاری از فعالیت‌های فراغتی را ندارند و نکته آخر اینکه فضای فراغتی برای زنان با محدودیت‌ها و موانع بسیاری همراه است و در مقابل، مردان بسیاری از این فضاها را اشغال کرده‌اند (گرین و همکاران، ۱۹۹۰: ۱۳۵-۱۳۶).

ایده محوری پژوهش حاضر برگرفته از دیدگاه‌های وین (۱۹۹۸) و گرین و همکاران (۱۹۹۰) می‌باشد. به این ترتیب برای پاسخ به سؤال اصلی تحقیق در بخش کمی، فعالیت‌های فراغتی سنجیده و الگوهای کشف شده در میان دختران و پسران جوان با یکدیگر مقایسه شده‌اند. سپس در بخش کیفی و برای رسیدن به تفسیرها و تحلیل‌های عمیق‌تر تلاش شده تا این تمایزات معناکاوی شوند.

^۱- Deem

^۲- Green

فرضیات بخش کمی پژوهش

بخش کمی پژوهش حاضر برگرفته از تئوری‌هایی است که به تمایز جنسیتی در باب فراغت پرداخته‌اند و یک فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی دارد.

فرضیه اصلی

الگوهای فراغت جوانان مورد مطالعه بر حسب جنسیت متفاوت است.

فرضیه‌های فرعی

- بین الگوهای فراغت جوانان با سرمایه اقتصادی آنها رابطه وجود دارد.
- بین الگوهای فراغت جوانان با هویت جنسیتی آنها رابطه وجود دارد.
- بین الگوهای فراغت جوانان با میزان دینداری آنها رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش به کار رفته در پژوهش حاضر روش ترکیبی^۱ است. استراتژی‌های متعددی برای انجام یک پژوهش ترکیبی وجود دارد که در اینجا طرح شماره سه دیوید مورگان^۲ مورد استفاده قرار گرفته است.

او چهار طرح پژوهشی با روش‌های ترکیبی پیشنهاد داد که بر اساس پاسخ به این دو سؤال مطرح شد:

(۱) روش اصلی (عمده) و روش فرعی یا تکمیلی پژوهش کدام است؟

(۲) چه روشی در ابتدا و چه روشی در مرحله دوم اجرا می‌شود؟

طرح شماره سه دیوید مورگان بدین صورت است که روش کمی، عمده و اساسی است و روش کیفی، فرعی و ثانویه به حساب می‌آید. این طرح اغلب زمانی به کار می‌رود که نتایج پژوهش به دست آمده از یافته‌های کمی، نیازمند تفسیر و تبیین و آشکار شدن بیشتر است. مطالعه کیفی در اینجا همچنین در فهم آنچه که نتایج منفی پژوهش کمی می‌دانند کمک می‌کند. بویژه در مورد نتایجی که با فرضیه‌های پژوهش هماهنگ نبوده‌اند (Teddle and Tashakkori, 2009:223).

¹ - mixed method

² - David Morgan

بدین ترتیب، ابتدا در قالب یک پیمایش کمی، الگوهای فراغت با ابزار پرسشنامه سنجیده شده و ارتباطات میان الگوهای فراغت، مورد سنجش قرار گرفته و در گام نهایی با انجام یک پژوهش کیفی، به معناکاوی الگوهای فراغت پرداخته و به تفسیر و تحلیل نتایج بخش کمی افزوده است. متغیر وابسته در این بخش، نحوه گذران اوقات فراغت می باشد که از طریق یک پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفته است.

تکنیک اساسی در شناسایی و کشف الگوهای فراغت در پژوهش حاضر، تحلیل عاملی اکتشافی است که در سال ۱۹۰۴ توسط چارلز اسپیرمن ابداع شده است. در این نوع تحلیل عاملی، درصددیم تا ساختار زیربنایی مجموعه نسبتاً بزرگی از متغیرها را کشف کنیم. پیش فرض اولیه در این نوع تحلیل آن است که هر متغیری ممکن است با هر عاملی ارتباط داشته باشد. به عبارتی، محقق در این روش هیچ تئوری اولیه ای ندارد و سعی می کند از بارهای عامل برای کشف ساختار عاملی داده ها استفاده کند (حبیب پور و صفری، ۱۳۸۸: ۳۰۵-۳۰۶). همچنین، الگوی فراغت مذکور در ارتباط با سه متغیر مستقل دینداری، سرمایه اقتصادی و هویت جنسیتی قرار گرفته و ارتباط آماری بین آنها آزمون شده است.

جامعه آماری بخش کمی پژوهش را کلیه جوانان ۲۰-۲۹ ساله در مناطق ده گانه شهر اصفهان تشکیل می دهند که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ برابر با ۴۰۴۷۰۳ نفر هستند. نمونه آماری به دست آمده برابر با ۱۷۴۸ نفر می باشد. نمونه گیری در بخش کمی با استفاده از نمونه گیری طبقه ای تصادفی انجام شد. به این منظور نقشه اصفهان به تفکیک مناطق مورد استفاده قرار گرفت. در هر منطقه، تعداد بلوک ها در نظر گرفته شده و سهم هر منطقه از نمونه بر اساس جمعیت آن مشخص شد. پرسشگری در هر بلوک با انتخاب تصادفی خانه شروع می شود. در خانه، فرد واجد شرایط پرسشنامه را تکمیل می نماید و پرسشگری با فاصله نمونه گیری سه خانه به صورت سیستماتیک در بلوک ادامه می یابد.

پس از اجرای بخش کمی، تلاش شده تا شیوه معنادهی به الگوهای فراغت در میان دختران و پسران جوان مورد شناسایی و تحلیل قرار گیرد. سؤال اساسی در بخش کیفی پژوهش این است که دختران و پسران میدان مورد مطالعه، شیوه های گذران اوقات فراغت خود را چگونه معنا و تفسیر می کنند؟

در بخش کیفی از دو روش نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی استفاده شده است؛ بدین ترتیب که پس از استخراج الگوهای اولیه در بخش کمی، جوانان مورد نظر شناسایی شده و با آنان به صورت نیمه ساختاریافته مصاحبه انجام گرفته است. برخی از نمونه ها به هنگام اجرای بخش کمی به صورت هدفمند انتخاب شدند و

برخی دیگر نیز از طریق مراجعه به مکان های عمومی و همچنین به صورت گلوله برفی مورد شناسایی قرار گرفته اند. در مجموع، با ۲۷ زن و مرد جوان ۲۹-۲۰ ساله ساکن شهر اصفهان مصاحبه انجام گرفته است که از این تعداد ۱۷ مصاحبه با زنان و ۱۰ مصاحبه با مردان انجام شده است. برای تحلیل داده ها نیز از تکنیک تحلیل تماتیک استفاده شده است؛ چنان که متون پیاده شده مصاحبه با زنان و مردان مذکور به صورت جداگانه کدگذاری و تحلیل شده است.

یافته های بخش کمی پژوهش

در ابتدا یافته های توصیفی مربوط به متغیر وابسته یعنی الگوهای فراغت جوانان مرور می شود. یافته های این بخش از طریق تحلیل عاملی اکتشافی به دست آمده است. در حقیقت آنچه که به عنوان الگوهای فراغتی در ادامه می آید، عامل ها و خوشه هایی است که بیشترین همبستگی را با یکدیگر داشته اند و سپس توسط محققین نامگذاری شده اند. باید اضافه کرد که در ابتدا فهرستی از فعالیت های فراغتی در قالب یک پرسشنامه مشترک مورد سنجش قرار گرفته است و در نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی، الگوهای زیر کشف شده اند.

الگوهای فراغتی دختران جوان

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی فعالیت های فراغتی برای دختران جوان (۲۰-۲۹ سال) شش الگو را نشان می دهد. همان گونه که جدول ۱ نشان می دهد پرتعدادترین الگوی فراغتی، الگوی مذهبی و الگوی تفریحی بیرون از خانه است. الگوهای فراغتی درون خانه و مطالعه و بازی نیز میانگین شبیه به هم دارند. سطح معناداری مقادیر آزمون تی نشان می دهد تنها الگوی فراغتی درون خانه و الگوی مطالعه و بازی، تفاوت معناداری با یکدیگر نداشته اند و بقیه الگوهای فراغتی به صورت معناداری با هم متفاوت اند.

جدول ۱ : مقادیر تی جفت و سطح معناداری برای مقایسه الگوهای فراغتی دختران جوان (۲۰-۲۹ سال)^۱

| الگو | میانگین | مذهبی | بیرون خانه | درون خانه | مطالعه و بازی | مشارکت | فراغت نامعمول |
|---------------|---------|-------|------------|-----------|---------------|--------|---------------|
| مذهبی | ۲/۲۷ | - | ۰/۰۰۵ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| بیرون خانه | ۲/۲ | ۲/۸ | - | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| درون خانه | ۲/۰۱ | ۸/۷ | ۹/۱ | - | ۰/۹ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| مطالعه و بازی | ۲/۰۱ | ۹/۷ | ۹/۵ | ۰/۱۳ | - | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| مشارکت | ۱/۳ | ۴۵/۳ | ۴۷/۳ | ۲۹/۸ | ۳۵ | - | ۰/۰۰۰ |

^۱ - بعد از ستون میانگین، اعداد زیر قطر جدول مقدار تی و اعداد بالای قطر سطح معناداری را نشان می دهد.

| | | | | | | | |
|---------------|------|------|------|------|----|------|---|
| فراغت نامعمول | ۱/۷۶ | ۱۸/۲ | ۲۰/۹ | ۱۱/۲ | ۱۲ | ۲۵/۴ | - |
|---------------|------|------|------|------|----|------|---|

اولین الگوی فراغتی، الگوی مذهبی است که فعالیت‌های مذهبی چه به صورت فردی و چه جمعی در آن جای گرفته‌اند. محور این الگوی فراغتی، دینداری است و از ۱۰ فعالیت تشکیل شده است. مطالعه فهرست فعالیت‌های این الگو نشان می‌دهد که در این الگو، همه نوع فعالیت وجود دارد (رسانه ای، مشارکتی، فردی، جمعی و فرهنگی) که محتوای آنها (مذهب) محور آن را تشکیل می‌دهد. برخی از این فعالیت‌ها عبارت‌اند از: گوش کردن به سخنرانی مذهبی، گوش کردن به مداحی، رفتن به مکان‌های مذهبی و زیارتی، انجام عبادت‌های مستحب فردی و شرکت در جلسات یا مراسم مذهبی.

الگوی فراغتی دوم، فعالیت‌های تفریحی بیرون از خانه هستند. این الگو که از ۱۰ فعالیت تشکیل شده، فعالیت‌های تفریحی را نشان می‌دهد که جمعی بوده و با دوستان یا خانواده انجام می‌شود. ۹ فعالیت از ۱۰ فعالیت این الگو، بیرون از فضای خانه انجام می‌شود. خصوصیت دیگر این الگوی فراغتی، هنجارمند بودن آن است. در این الگو هیچ‌یک از فعالیت‌ها خارج از عرف نیستند؛ به طوری که فعالیت‌هایی مانند شرکت در میهمانی‌های مختلط یا مشاهده فیلم‌ها و سریال‌هایی که از ماهواره پخش می‌شوند یا محتوای نامناسبی دارند، مشاهده نمی‌شود.

الگوی فراغتی سوم، الگوی فراغتی تفریحات درون خانه است که شامل تماشای فیلم و گوش کردن به موسیقی می‌شود. این الگو از ۱۰ فعالیت تشکیل شده است. تماشای فیلم و سریال و گوش کردن به موسیقی بدون توجه به ژانر یا نوع موسیقی یا فیلم همه در کنار هم قرار گرفته‌اند و تفکیک خاصی در استفاده از آنها در این گروه سنی مشاهده نمی‌شود. به نظر می‌رسد زنان جوان در مورد تماشای فیلم و سریال و گوش کردن به موسیقی ترجیح خاصی ندارند.

الگوی فراغتی چهارم، مطالعه و بازی است. این الگو شامل مطالعه انواع کتاب‌های چاپی و صوتی به علاوه بازی‌های کامپیوتری است. این الگوی فراغتی شامل ۸ فعالیت می‌شود که به جز یکی، همه به تنهایی یا فردی انجام می‌گردد. مطالعه کتاب یا گوش کردن به سخنرانی اصولاً فعالیت فردی است. انجام بازی‌های کامپیوتری در خانه به تنهایی نیز در این گروه قرار گرفته است. تنها مورد استثنا، انجام بازی‌های کامپیوتری با دوستان است

که آن هم در محل خانه انجام می‌شود. این الگوی فعالیتی، نشان دهنده فعالیت‌هایی است که به صورت منزوی و در خانه انجام می‌شود.

الگوی فراغتی پنجم، فراغت نامعمول است و بیشتر فعالیت‌هایی را نشان می‌دهد که رایج نبوده و بخش کوچکی از مردم آن را انجام می‌دهند، مانند رفتن به سفرهای خارجی، شرکت در کنسرت‌های موسیقی زنده و بازی در گیم‌نت‌ها که برای دختران زیاد معمول نیست.

الگوی فراغتی ششم، الگوی مشارکتی است. این الگو که شامل ۷ فعالیت می‌شود، شرکت در گروه‌ها و سازمان‌های داوطلبانه را نشان می‌دهد که با تنوعی از موضوعات - از فرهنگی هنری تا اجتماعی و سیاسی - همراه است. شرکت در فعالیت‌ها و کانون‌های مقاومت بسیج هم در این گروه و در کنار دیگر مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است.

الگوهای فراغتی پسران جوان

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی داده‌ها نشان می‌دهد که در گروه پسران جوان (۲۰-۲۹ سال) نیز شش الگوی فراغتی وجود دارد. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که پرتعدادترین الگوی فراغتی برای پسران جوان، الگوی سنتی - ایرانی و پس از آن فراغت مذهبی و فرهنگی و هنری است و کم‌طرفدارترین آنها الگوی فراغتی گذران وقت با دوستان است. نتایج آزمون تی نشان می‌دهد که الگوی فراغت مذهبی با الگوی فرهنگی و هنری تفاوت معناداری با هم ندارند. همچنین الگوی فراغت مشارکتی و تماشای فیلم و سریال نیز در مجموع با هم تفاوت معناداری نداشته‌اند، اما بقیه الگوهای فراغتی با هم تفاوت معناداری داشته‌اند.

جدول ۲: مقادیر تی جفت و سطح معناداری آن برای مقایسه الگوهای فراغتی پسران جوان (۲۰-۲۹ سال)^۱

| گویه | میانگین | مذهبی | فرهنگی هنری | سنتی ایرانی | گذران وقت با دوستان | مشارکتی | فیلم و سریال |
|---------------------|---------|-------|-------------|-------------|---------------------|---------|--------------|
| فراغت مذهبی | ۲/۱ | - | ۰/۱۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| فرهنگی هنری | ۲/۱ | ۱/۵ | - | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| سنتی - ایرانی | ۲/۶ | ۲۱/۷ | ۲/۹ | - | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| گذران وقت با دوستان | ۱/۴ | ۲۷/۴ | ۳۵/۷ | ۵۹/۸ | - | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| فراغت مشارکتی | ۱/۸ | ۱۰/۶ | ۱۴/۷ | ۳۹ | ۱۹/۳ | - | ۰/۷۵ |
| فیلم و سریال | ۱/۸ | ۹/۷ | ۱۲/۱ | ۳۴/۹ | ۱۴ | ۰/۲۶ | - |

^۱ - بعد از ستون میانگین، اعداد زیر قطر جدول مقدار تی و اعداد بالای قطر سطح معناداری را نشان می‌دهد.

اولین الگوی فراغتی، الگوی سنتی- ایرانی نام گرفته است. این الگو شامل تماشای فیلم و سریال و گوش کردن به آهنگ‌های ایرانی است. فعالیت‌های دیگر همراه با خانواده بوده و شامل سفر و رفت و آمد با خانواده، فامیل و همسایگان می‌شود. این گروه در کنار تفریحات خانوادگی به دوستان خود هم اهمیت می‌دهند، اما روح این الگوی فعالیت خانوادگی و محتوای فرهنگی آن در فیلم‌ها و موسیقی‌های مورد استفاده ایرانی است.

الگوی دوم، الگوی فراغتی مذهبی است. در این الگو فعالیت‌های جمعی و فردی مذهبی همراه با مشارکت در گروه‌های اجتماعی مذهبی مثل مشارکت در کانون‌های فرهنگی هنری، مشارکت در گروه‌های مقاومت بسیج و انجام فعالیت‌های خیریه قرار گرفته است. به همین دلیل می‌توان گفت که برای پسران جوان در اصفهان فعالیت در این گروه‌های اجتماعی بیشتر معنای مذهبی می‌دهد تا معنای فعالیت مدنی اجتماعی.

الگوی سوم، الگوی فراغت فرهنگی و هنری است. در این الگو مطالعه کتاب، گوش کردن به سخنرانی‌های علمی و فلسفی و گوش کردن به موسیقی کلاسیک و پاپ خارجی کنار هم قرار گرفته است. انجام کارهای هنری در خانه نیز همسو با این فعالیت‌های فرهنگی است.

چهارمین الگوی فراغتی، الگویی است که با تماشای فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی و خارجی مشخص می‌شود. این الگوی فراغتی دسته‌ای از پسران جوان را نشان می‌دهد که در اوقات فراغتشان بیش از همه پای تلویزیون، شبکه‌های ماهواره‌ای و دی‌وی‌دی‌های سریال‌های مختلف می‌نشینند و بیشتر وقت خود را برای تماشای آنها می‌گذرانند.

الگوی فراغتی پنجم، الگویی است که مشارکت‌های اجتماعی را با سفر خارجی و استفاده از سینما و کنسرت‌های موسیقی زنده با هم جمع کرده است. به نظر می‌رسد محور این الگوی فراغتی، مشارکت اجتماعی است که با برخی فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی همگام شده است.

الگوی فراغتی ششم، گذران وقت با دوستان است. این الگو شامل فعالیت‌هایی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم ارتباط فرد با دوستان و افراد غیر از اعضای خانواده را نشان می‌دهد. این فعالیت‌ها شامل بازی‌های دسته جمعی کامپیوتری در خانه یا گیم‌نت، میهمانی‌های دوستانه با دوستان هم‌جنس یا غیر هم‌جنس و رفتن به کافی‌شاپ یا دوستان است. بیشتر این فعالیت‌ها، فعالیت‌های مجردی پسران جوان است که به نظر می‌رسد افراد بدون مسئولیت خانوادگی به آن می‌پردازند و محور آن وقت‌گذرانی و تفریح با دوستان است.

الگوهای فراغت دختران و ارتباط آن با متغیرهای مستقل

در گروه دختران جوان، الگوی فراغت مذهبی با سرمایه اقتصادی، هویت جنسیتی و میزان دینداری رابطه معناداری داشته است. نتایج نشان می‌دهند که دختران جوانی این الگوی فراغتی را انتخاب می‌کنند که سرمایه اقتصادی پایین‌تر و هویت جنسیتی سنتی‌تری دارند. شدت رابطه این الگوی فراغتی با میزان دینداری بسیار زیاد است؛ یعنی دختران جوانی که دیندارترند با احتمال بسیار زیادی این الگوی فراغتی را انتخاب می‌کنند.

الگوی فراغتی تفریحات بیرون از خانه با همه متغیرهای مستقل رابطه معناداری نشان داده است. هویت جنسیتی دختران جوانی که این الگوی فراغتی را انتخاب می‌کنند، سنتی‌تر است.

الگوی فراغتی تفریحات درون خانه، مطالعه و بازی و الگوی فراغتی مشارکت مدنی نیز با همه متغیرهای مستقل رابطه معناداری نشان داده‌اند. رابطه این الگوی فراغتی با دینداری منفی است؛ یعنی دختران جوانی که هویت جنسیتی مدرن‌تر و دینداری ضعیف‌تری دارند، این الگوی فراغتی را انتخاب می‌کنند. علاوه بر این، این الگوی فراغتی با دینداری رابطه منفی داشته و با هویت جنسیتی مدرن همسوست. الگوی فراغتی نامعمول با همه متغیرهای مستقل رابطه معناداری دارد، ولی با هویت جنسیتی ارتباطی برقرار نکرده است.

جدول ۳: ضرایب همبستگی بین نمرات الگوهای فراغت و متغیرهای مستقل در گروه دختران جوان (۲۹-۲۰ سال)

| الگوها | آماره | سرمایه اقتصادی | هویت جنسیتی | دینداری |
|---------------------------------|-------|----------------|-------------|---------|
| فراغت مذهبی | r | -۰/۱۱۷ | ۰/۱۴۵ | ۰/۶۴۳ |
| | sig | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| | N | ۷۹۹ | ۸۶۰ | ۸۴۶ |
| الگوی فراغتی تفریحات بیرون خانه | r | ۰/۱۷۳ | -۰/۱۳۴ | ۰/۱۰۸ |
| | sig | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۲ |
| | N | ۸۰۶ | ۸۶۶ | ۸۴۹ |
| الگوی فراغتی تفریحات درون خانه | r | ۰/۱۸ | -۰/۱۹۲ | -۰/۱۴۶ |
| | sig | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| | N | ۸۰۴ | ۸۶۳ | ۸۴۸ |
| الگوی فراغتی مطالعه و بازی | r | ۰/۲۵۳ | -۰/۲۴۸ | ۰/۰۶۹ |
| | sig | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۴۵ |
| | N | ۸۰۶ | ۸۶۵ | ۰/۸۵۱ |
| الگوی فراغتی مشارکتی | r | ۰/۲۵۱ | -۰/۱۴۴ | -۰/۲۵۱ |
| | sig | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| | N | ۸۰۶ | ۸۶۵ | ۸۴۹ |
| الگوی فراغتی نامعمول | r | ۰/۱۲۸ | -۰/۰۵۱ | ۰/۱۸ |
| | sig | ۰/۰۰۰ | ۰/۱۲۴ | ۰/۰۰۰ |
| | N | ۸۰۶ | ۸۶۵ | ۸۴۹ |

| | | | | |
|-----|-----|-----|---|--|
| ۸۵۴ | ۸۶۹ | ۸۱۱ | N | |
|-----|-----|-----|---|--|

الگوهای فراغت پسران و ارتباط آن با متغیرهای مستقل

در گروه پسران جوان الگوی فراغت مذهبی با دینداری رابطه بسیار قوی و مثبتی دارد. رابطه سرمایه اقتصادی با این الگوی فراغتی بسیار ضعیف است و هویت جنسیتی، ارتباطی با آن برقرار نکرده است. الگوی فراغت هنری و فرهنگی با همه متغیرهای مستقل رابطه معناداری دارد. این الگو با دینداری رابطه مثبت و با هویت جنسیتی مدرن بالاتر همسوست.

الگوی فراغتی سنتی و ایران با هویت جنسیتی و دینداری رابطه ضعیفی برقرار کرده است و با سرمایه اقتصادی رابطه معناداری ندارد. الگوی فراغتی گذران وقت با دوستان با سرمایه اقتصادی رابطه مثبت و معناداری داشته است. این الگو همچنین ارتباطی به دینداری نداشته است. پایگاه خانواده رابطه مثبت و معنادار و نسبتاً قوی با آن برقرار کرده است و با سرمایه اقتصادی نیز رابطه مثبت و معنادار دارد. این الگو با میزان دینداری و هویت جنسیتی، رابطه ضعیف و منفی نشان داده است. تماشای فیلم و سریال با سرمایه اقتصادی، هویت جنسیتی و دینداری رابطه‌ای ندارد.

جدول ۴: ضرایب همبستگی بین نمرات الگوهای فراغت و متغیرهای مستقل در گروه پسران جوان (۲۹-۲۰ سال)

| الگوها | آماره | سرمایه اقتصادی | هویت جنسیتی | دینداری |
|---------------------|-------|----------------|-------------|---------|
| فراغت مذهبی | r | ۰/۰۷ | ۰/۰۳۸ | ۰/۶۳۷ |
| | sig | ۰/۰۳۷ | ۰/۲۷ | ۰/۰۰۰ |
| | N | ۸۱۷ | ۸۴۴ | ۸۳۶ |
| فراغت هنری | r | ۰/۱۲۱ | -۰/۱۶۷ | ۰/۱۳۵ |
| | sig | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| | N | ۸۲۷ | ۸۵۴ | ۸۴۵ |
| سنتی و ایرانی | r | -۰/۰۱۱ | -۰/۱ | ۰/۱ |
| | sig | ۰/۷۶۳ | ۰/۰۰۴ | ۰/۰۰۳ |
| | N | ۸۲۳ | ۸۵۰ | ۸۴۱ |
| گذران وقت با دوستان | r | ۰/۲۲ | -۰/۰۷ | -۰/۰۰۷ |
| | sig | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۳ | ۰/۸۴۴ |
| | N | ۸۳۵ | ۸۵۳ | ۸۴۲ |
| فراغت مشارکتی | r | ۰/۲ | -۰/۰۶۵ | -۰/۰۹ |
| | sig | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۶ | ۰/۰۰۸ |
| | N | ۸۲۷ | ۸۵۲ | ۸۴۴ |
| تماشای فیلم و سریال | r | ۰/۰۴۹ | -۰/۰۲۵ | -۰/۰۵۸ |

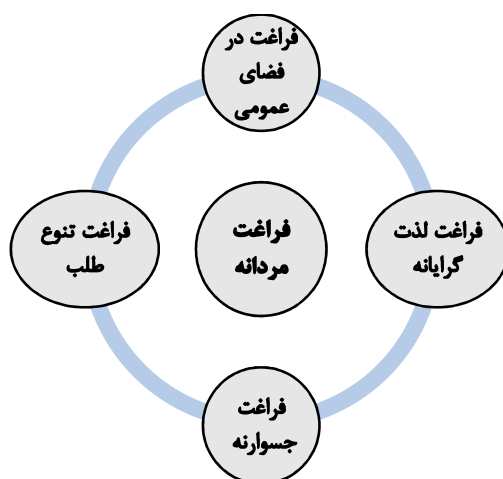
| | | | | |
|------|-------|------|-----|--|
| ۰/۰۹ | ۰/۴۶۹ | ۰/۱۶ | sig | |
| ۸۴۶ | ۸۵۵ | ۸۲۹ | N | |

یافته های بخش کیفی پژوهش

سؤال اساسی بخش حاضر این است که پسران و دختران جوان مورد مطالعه الگوهای گذران اوقات فراغت خود را چگونه معنا و تفسیر می کنند. مفاهیم حاصل از تحلیل داده ها، از پیدایش دو گونه فراغت در میان دختران و پسران حکایت دارد.

فراغت مردانه

فراغت مردانه، فراغتی است که این خصلت ها را داراست: فراغت در فضای عمومی، فراغت لذت گرایانه، فراغت جسورانه، فراغت فعالانه. در حقیقت، این ویژگی ها در کنار یکدیگر فراغت مردانه را در میدان مطالعه می سازند.



شکل ۱: بر ساخت فراغت مردانه به میانجی چهار مفهوم اساسی

۱. فراغت در فضای عمومی

به نظر می رسد تجربه فراغت در میان پسران جوان به شدت به مکان های عمومی گره خورده است. آنها تمایل دارند که فراغت خود را در مکان های عمومی مثل پارک ها، خیابان ها، پاساژها و تفرجگاه های عمومی بگذرانند. عمده پسران جوان اظهار داشته اند که وقت آزاد خود را در این مکان ها سپری می کنند و از ترجیح خود در این زمینه سخن گفته اند.

به عنوان نمونه، مهران جوان ۲۸ ساله و مجرد اظهار داشته است:

"ما بعضی شبا مخصوصا شبا جمعه با بچه ها می ریم تو خیابونا می چرخیم با ماشین. معمولا دیروقت بر می گردیم."

۲. فراغت لذت گرایانه

این معنای فراغت، در بین پسران و دختران جوان مشترک بوده است. لذت گرایی در فراغت به این امر اشاره دارد که مقصود و منظور جوانان میدان مطالعه از انتخاب الگوها و فعالیت های فراغت، لذت بردن از لحظات زندگی است. نوعی کیف و لذت درونی که می تواند دقایق و ساعاتی آنها را از فضای جدی خسته کننده روزمره جدا سازد.

عرفان، ۲۲ ساله اظهار داشته است:

"آقا ما هر کاری که کیف بده، هستیم دیگه.. واسم فرقی نمی کنه که کجا باشه، با کی باشه. خوشم بیاد می رم.. اغلب بچه ها هم پا هستن (یعنی همراهی می کنند)."

۳. فراغت تنوع طلب

فراغت در میان پسران جوان خصلت دیگری هم دارد و با تنوع بیشتری همراه است. در حقیقت، پسران این اجازه را دارند که تجربه های ناشناخته و با ریسک بیشتر داشته باشند. رفتن به صخره نوردی، رفتن با دوستان مجرد به مسافرت، طبیعت گردی و.. مواردی از این دست تجربه هاست. بدین ترتیب، فراغت در میان پسران با تنوع بیشتری همراه است؛ به گونه ای که کمتر می شود الگوی یکدستی از مدل فراغت شناسایی کرد، چرا که پسران جوان مدام در حال تجربه فراغت های جدید هستند و تنوع طلبی در فراغت یکی از این خصلت هاست. برای مثال بهنام ۳۰ ساله و متاهل از تجربه های طبیعت گردی، سفرهای یک هفته ای و ده روزه اش به جنگل های شمال و اسکان در دل جنگل سخن گفته است:

"اصولا دلم می خواد به جاهای متنوع برم. واسه همین، تو مجلات گردشگری جاهای جدیدی که تو ایران معرفی می کنه رو سعی می کنم با دوستانم برم."

۴. فراغت جسورانه

به نظر می رسد پسران جوان در انتخاب فعالیت های فراغشان از جسارت و توانایی بیشتری برخوردارند و با خیال راحت تری از خط قرمزها عبور می کنند. در حقیقت، آزادی عمل و استقلال آنها در نحوه گذران فراغت

در میان اظهارات مصاحبه شوندگان مشهود و مشخص است. بیرون ماندن تا ساعات پایانی شب، رفتن به مهمانی های نامتعارف و تفریحات پرهیجان، از مواردی است که در میان پسران جوان امر رایج تری محسوب می شود.

محمدرضا ۲۶ ساله در پاسخ به سئوالی درباره حساسیت های خانواده این گونه اظهار داشته است:

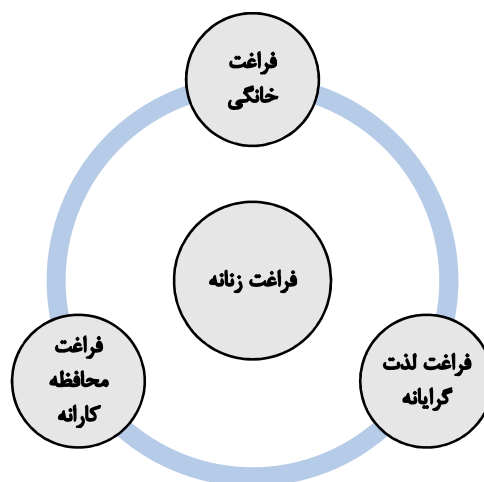
"واسه بیرون بودن تا ۱۲ (شب) اوکی هست، ولی دیرتر نه دیگه. خطری می شه (با خنده)."

مسعود ۲۳ ساله نیز در این باره گفته است:

"مهمونی هم زیاد می ریم. فرقی نمی کنه واسم مختلط باشه یا نه.. خانواده هم معمولا گیر نمی دن. اگر هم گیر بدن، زیاد جدی نمی گیرم (با خنده)."

فراغت زنانه

فراغت زنانه، دارای ویژگی ها و معنایی است که می توان آن را متمایز از فراغت مردانه تحلیل کرد. این خصوصیات عبارت اند از: فراغت خانگی، فراغت لذت گرایانه و فراغت محافظه کارانه. در حقیقت، این سه خصلت فراغت در کنار یکدیگر تجربه های فراغتی زنان جوان را می سازند.



شکل ۲: برساخت فراغت زنانه به میانجی سه مفهوم

۱. فراغت خانگی

در این مورد باید گفت که فراغت خانگی به طور مشخصی در برابر فراغت در فضای عمومی قرار می گیرد. تحلیل و بازخوانی داده ها نشان می دهد که در جهان ذهنی جوانان مورد مطالعه، فراغت به دو بخش درون خانه و بیرون از خانه تقسیم می شود. فراغت مبتنی بر خانه، فراغتی نرم، زنانه، کم هزینه و کم دردسر تلقی

شده و فراغت بیرون از خانه، فراغتی مستقل، پویا، مردانه و جسورانه معنا شده است. فراغت برای زنان جوان به مکانی به نام خانه گره خورده است. این امر به ویژه در میان زنان جوان متأهل به شدت قابل توجه و متمایز است. از سوی دیگر، زنان مجرد آزادی عمل بیشتری را در تجربه هایشان از فراغت بیان کرده اند، اما آنها نیز فراغت در خانه را به شدت دنبال می کنند. فعالیت هایی مثل تماشای فیلم و سریال، انجام کارهای هنری، گوش کردن به موسیقی و مطالعه کردن، الگوهایی از فراغت هستند که در میان دختران جوان دنبال می شود که همگی ارجاعی به خانه در خود دارند. در حقیقت، فراغت زنانه به نوعی با فراغت در خانه معنا می یابد. از همین روست که عمده زنان از نگرانی ها، دردها و مشکلات خود برای گذران فراغت در بیرون از خانه سخن گفته اند. اگرچه در بسیاری از موارد فراغت در فضای عمومی را تجربه می کنند، اما این تجربه ها با مصائب و سختی هایی همراه بوده است.

زهرا، زن ۲۷ ساله خانه را به دلایل مختلف برای فراغت روزمره ترجیح می دهد:

"به باشگاه می خوام بری، کلی دردسر داره، شوهرم باید حتما خونه بمونه پیش بچه یا بچه رو بزارم خونه مادرم.. حالا هزینه و رفت و آمدش به کنار. واسه همین خودم تو خونه تردمیل خریدم و دیگه باشگاه نمی رم."

۲. فراغت لذت گرایانه

فراغت لذت گرایانه، دومین خصلت فراغت زنانه است. این ویژگی در میان هر دو نوع فراغت زنانه و مردانه تاحدی مشترک است، هر چند که در الگوی انتخاب شده و نحوه انجام آن تا حدی تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر، نوعی اصالت کیف و لذت در انتخاب های زنان جوان نیز وجود دارد و اینکه شادی، خوشی و لذت های زودگذر به ایده ای محوری در انتخاب فعالیت های فراغتی تبدیل شده است.

سحر، ۲۵ ساله، مجرد و دانشجوی ارشد مدیریت است. او در تایید این ادعا این گونه پاسخ داده است:

"به نظرم، تفریح یعنی اینکه خوش باشی و لذت ببری حالا می خواد سر کار باشه یا مسافرت.. من هر جایی که حس کنم اگر برم حالم بهتر می شه، حتما می رم. این چند روزه عمر ارزش حرص خوردن نداره."

همچنین، محدثه ۲۷ ساله و متأهل معتقد است که اگر به گذشته برگردد، آن محدودیت ها را رعایت نخواهد کرد و از زندگی بیشتر لذت خواهد برد:

"بعد از به عمر، حالا معنای خوشی و کیف رو می فهمم. واسه من فراغت یعنی اینکه خودم رو محدود نکنم؛ هم به خودم برسم و هم حسابی با دوستانم یا خونوادم خوش بگذرونم."

۳. فراغت محافظه کارانه

فراغت محافظه کارانه در مقابل فراغت جسورانه قرار می گیرد. فراغت محافظه کارانه به معنایی از فراغت اشاره دارد که به دنبال شیوه های عمدتاً زمون پس داده و کم ریسک در فراغت است. عمده دختران جوان میدان مورد مطالعه، نحوه گذران فراغت خود را به شدت به این امر وابسته دانسته اند. اینکه در انتخاب های فراغتشان باید ملاحظه بسیاری از موارد را بکنند و همین امر باعث می شود که در چارچوب الگوهای رایج و با رعایت خطوط قرمز، فراغت خود را انتخاب کنند. همچنین باید اضافه کرد فراغت زنانه به دلیل اینکه از سوی خانواده با کنترل و نظارت بیشتری در مقایسه با پسران همراه است، لذا آنها را به سمت انتخاب الگوهای کم دردسزتر پیش می برد.

عاطفه، ۲۰ ساله که علاقه زیادی به ورزش های آبی و پرهیجان دارد، از ممانعت پدر خود سخن گفته است: "من به سری تفریحات هیجانی مثل رفتینگ (قایق سواری در آبهای خروشان) رو خیلی دوس دارم، ولی بابام راضی نمی شه، چون واسه رفتینگ باید بری تا شهرکرد و خب مسیرش دوره."

مهوش ۲۴ ساله نیز در این مورد اینگونه اظهار داشته است:

"ما دیگه خیلی بیرون باشیم ۱۰. تازه اونم باید به مامانم توضیح بدم. البته اونا کاملاً اعتماد دارن، ولی خب به ذره دیر می شه، هی زنگ می زنه، اعصابم خورد می شه. واسه همین خودم زودتر می آم."

بدین ترتیب، الگوهایی از سوی دختران جوان انتخاب می شود که کمترین تنش و چالش را برایشان به همراه داشته باشد. کنترل و نظارت خانواده، احساس ناامنی از فضای بیرون و ترس از پیامدهای پیش بینی نشده باعث می شود تا با احتیاط عمل کنند و فراغتی را انتخاب نمایند که کمترین حساسیت را در پی داشته باشد- همین خصیصه، فراغت دختران جوان را به سوی یکنواختی و یکدستی پیش می برد.

بحث و نتیجه گیری

مقایسه ساده میان الگوهای فراغت در بین جوانان مورد مطالعه آشکار می سازد که فراغت مذهبی برای دختران به طرز معناداری اولویت اول بوده، اما برای پسران در اولویت نیست. اگر چه در مجموع می توان از اهمیت

مذهب و دینداری در انتخاب الگوهای فراغت در بین جوانان شهر اصفهان سخن گفت، اما این اهمیت برای دختران جوان بیشتر بوده و متمایزتر است. از سوی دیگر، فراغت مذهبی برای پسران جوان با فراغت فرهنگی و هنری در یک سطح از اهمیت قرار دارند.

مهمترین فراغت پسران فراغت معمول و سنتی ایرانی است؛ بدین معنا که فراغت رایج شامل گوش کردن به موسیقی پاپ ایرانی، گوش کردن به موسیقی های لس آنجلسی، رفتن به پارک ها و محل های تفریحی همراه با خانواده یا دوستان و مواردی از این دست جزو اولویت های پسران جوان در انتخاب سبک های فراغتی است.

این نتایج با یافته های پژوهش سفیری و مدیری (۱۳۸۹) با عنوان "تفاوت های جنسیتی در فراغت"، دادورخانی و همکاران (۱۳۹۰)، شفیع (۱۳۹۴) و سرایی و همکاران (۱۳۹۱) همسو بوده و همگی عامل جنسیت را در انتخاب و مصرف الگوهای فراغت موثر می دانند. عمده مطالعات یاد شده طی سالیان اخیر انجام گرفته و از سطوح ملی تا منطقه ای و روستایی را پوشش داده است به ویژه تحقیق شفیع (۱۳۹۴) که به مطالعه تطبیقی فراغت زنان در سطح ملی و بین المللی پرداخته و نشان می دهد که فراغت نیز مانند سایر موضوعات اجتماعی متأثر از متغیرهای ساختاری چون جنسیت است.

تحلیل داده های کیفی نیز این نتیجه بخش کمی را شفاف تر می سازد. به عبارت دیگر، می توان گفت فراغت مذهبی و دینی فراغتی است که کاملاً با ارزش ها و الگوهای جامعه مورد مطالعه منطبق است و لذا در دل خود نوعی محافظه کاری به همراه دارد- همان خاصیتی که فراغت زنانه را از فراغت مردانه متمایز می سازد. از سوی دیگر، فراغت سنتی ایرانی نیازمند آزادی عمل بیشتری است و نوعی تنوع و پراکندگی را در خود دارد. بنابراین تنوع طلبی در فراغت از ویژگی هایی است که به خوبی می تواند معنای فراغت در بین پسران را به ما نشان دهد.

تمایز بنیادین دیگری که از مقایسه داده های کمی پژوهش به دست می آید، به دو الگوی فراغت مربوط می شود. در بین دختران جوان فراغت مشارکتی در درجه پایین اهمیت قرار داشته است، در حالی که در میان پسران موقعیت به مراتب بهتری داراست. فراغت مشارکتی، فراغتی است که مستلزم حضور در عرصه عمومی به معنای دقیق کلمه است و نیازمند سطحی از اعتماد و امنیت و استقلال فردی است که به نظر می رسد این

امکان در سطح مطلوبی مهیا نیست. به همین دلیل است که فراغت نامعمول در بین دختران جوان در رده آخر اهمیت قرار داشته است- فراغت نامعمول با حداقلی از جسارت برای عبور از خطوط قرمز رایج همراه است. در بین الگوهای فراغت پسران جوان گونه ای از فراغت به عنوان گذران وقت با دوستان وجود دارد که دقیقاً در ادامه همین خصلت ها قابل تحلیل است. گذران وقت با دوستان در بین پسران آن چنان مهم است که به عنوان یک الگوی فراغتی آشکار شده است، درحالی که چنین الگویی برای دختران وجود ندارد. بدیهی است این الگو به این دلیل در بین پسران جوان بیشتر است که آنها با آزادی و امکان بیشتری در انتخاب الگوهایشان روبرو هستند، چیزی که در میان دختران به شکل آشکار وجود ندارد و مدام با ملاحظات همراه است.

فراغت فعالانه - جسورانه پسران در برابر فراغت منفعلانه-محافظه کارانه دختران

در مجموع و با تحلیل داده های کمی و کیفی و مقایسه آن ها با یکدیگر می توان از تمایز جدی در انتخاب الگوهای فراغت پسران و دختران جوان سخن گفت؛ بدین ترتیب که فراغت پسران جوان فعالانه تر و جسورانه تر است و آزادی بیشتری در برخی از الگوهای فراغت دارند. به طور مثال، گشت و گذار با دوستان، قدم زدن در پارک ها و فضاهای عمومی شهری، رفتن به باشگاه های ورزشی و تفریحی برای پسران راحت تر است و در این مورد کمتر نگرانی داشته اند. آنها همچنین در انتخاب فیلم ها، موسیقی ها و الگوهای فراغتی فرهنگی و هنری، آزادانه تر عمل می کنند و راحت تر از خطوط قرمز و هنجارها عبور می نمایند. به طور مثال، تماشای فیلم های غیر ایرانی، دنبال کردن سریال های خارجی و دانلود موزیک ها و موزیک-ویدئوهای غیرفارسی جزو کارهای عادی آنها محسوب می شود، در حالی که دنبال کردن این سبک های هنری و رسانه ای در بین دختران جوان کمتر رایج است. در واقع، دختران جوان برنامه های پخش شده از رسانه های رسمی و مجاز را بیشتر مصرف می کنند و نوعی مصرف محافظه کارانه دارند، در حالی که پسران جوان نیازهای فرهنگی و هنری خود را آن گونه که تمایل دارند ارضا می کنند و کمتر الگوی رسمی را دنبال می نمایند. از طرف دیگر، دختران جوان در مورد نحوه گذران فراغت خود، به کنترل و نظارت خانواده بیشتر ارجاع می دهند و از حساسیت های خانواده در این باره سخن گفته اند، در حالی که پسران جوان، موضوع نظارت خانواده بر الگوهای فراغت را چندان مهم تلقی نمی کنند.

در حقیقت نتایج فوق در راستای تحقیق بارگمن و ون ایک(۲۰۰۴) است، چرا که این دو نیز جنسیت را عاملی کلیدی در انتخاب الگوها و فعالیت های فراغت می دانند. از سوی دیگر، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که

فراغت برای مردان نوعی کنشگری آزادانه، مستقل و با جسارت است، در حالی که فراغت برای زنان نوعی وابستگی و محافظه کاری در درون خود دارد. بنابراین می توان گفت رهیافت بیتمن و وایمن (۲۰۰۰) درباره فراغت تکه تکه زنانه در برابر فراغت خالص مردانه، شکل دیگری از بیان همین تمایز کشف شده در پژوهش حاضر است.

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی و بهنوئی گدنه، عباس. (۱۳۸۸). "بررسی جامعه شناختی رابطه اوقات فراغت با هویت شخصی در بین جوانان شهر بابلسر". فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات. شماره ۱۴، ۱۴۸-۱۲۷.
- ایمان، محمد تقی و بوستانی، داریوش. (۱۳۸۹). "تحلیل کیفی پیوند فراغت و هویت در میان دانش آموزان دبیرستانی شیراز". فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۱۶، ۳۶-۱.
- تورکیلدسن، جرج. (۱۳۸۲). اوقات فراغت و نیازهای مردم. عباس اردکانیان و عباس حسنی. تهران: انتشارات نوربخش
- دادورخانی، فضیله؛ هاجری، بهرام؛ قنبری، مرتضی و حاجیلو، مهدی. (۱۳۹۰). "تحلیلی بر گذران اوقات فراغت جوانان در مناطق روستایی ایران". اندیشه جغرافیایی. شماره ۹، ۱۰۱-۱۲۱.
- ربانی، رسول و شیرینی، حامد. (۱۳۸۸). "اوقات فراغت و هویت اجتماعی". فصلنامه تحقیقات فرهنگی. دوره دوم، شماره ۸، ۲۴۲-۲۰۹.
- رستگار خالد، امیر و همکاران. (۱۳۹۵). "تاثیر فناوری های جدید بر اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی جوانان". فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات. شماره ۶۵، ۱۴۷-۱۲۶.
- رضایی، احمد و محمدی، نریمان. (۱۳۹۳). "رسانه مدرن و درک معنایی از تجربه فراغت". مطالعات فرهنگ-ارتباطات. سال پانزدهم، شماره ۲۷، ۱۸۴-۱۶۳.
- رفعت جاه، مریم. (۱۳۹۰). "فراغت و ارزش های فرهنگی". فصلنامه تحقیقات فرهنگی. دوره چهارم، شماره ۱، ص: ۱۹۰-۱۵۹.
- روجک، کریس. (۱۳۸۸). نظریه فراغت: اصول و تجربه ها. عباس مخبر. تهران: نشر شهر
- ساروخانی، باقر و همکاران. (۱۳۹۲). "بررسی جامعه شناختی تاثیر گذران فراغت در تکوین هویت ملی جوانان". فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی. سال چهارم شماره ۳، ۸۱-۵۵.
- سرایی، محمد حسین؛ روستا، مجتبی و اشنوئی، امیر. (۱۳۹۱). "عوامل موثر بر گذران اوقات فراغت در مناطق شهری ایران مطالعه منطقه ۸ مشهد". برنامه ریزی منطقه ای. شماره ۷، ۲۵-۳۸.

- سعیدی رضوانی، نوید و سینه چی، پیروز. (۱۳۸۶). "مشهد و اوقات فراغت". فصلنامه جستارهای شهرسازی. شماره ۲۲-۲۳، صص ۱-۶.
- سفیری، خدیجه و مدیری، فاطمه. (۱۳۸۹). "تفاوت های جنسیتی در اوقات فراغت". شماره ۵۹، سری ۴، ۱۴۷-۱۷۰.
- شفیع، سمیه سادات. (۱۳۹۴). "تاملی بر یافته های پژوهشی فراغت زنان از منظر جامعه شناسی". راهبرد اجتماعی فرهنگی. شماره ۱۵، ۲۷۱-۳۰۷.
- صادقی، رسول و همکاران. (۱۳۸۹). "نابرابری اجتماعی در حوزه فراغت". فصلنامه رفاه اجتماعی. ۳۵۷-۳۹۰.
- عبدی، فاطمه و فخری، فرناز. (۱۳۹۰). "نقش رسانه در توسعه فرهنگ ورزش در اوقات فراغت زنان". فصلنامه پژوهش های ارتباطی. شماره ۶۸، ۳۱-۵۰.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: صبح صادق
- فکوهی، ناصر و مهابادی، فرشته. (۱۳۸۲). "اوقات فراغت و شکل گیری شخصیت فرهنگی". نامه انسان شناسی. شماره ۴، پاییز و زمستان.
- قادرزاده، امید؛ قادرزاده، هیرش و حسن پناه، حسین. (۱۳۹۵). "الگوهای فراغتی و هویت ملی، مطالعه موردی جوانان استان کردستان". فصلنامه مطالعات ملی. سال ۱۷، شماره ۴، ۹۷-۱۱۶.
- کیویستو، پیترو. (۱۳۸۰). اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی. منوچهر محسنی. تهران: نشر نی
- هزار جریبی، جعفر و ارفعی عین الدین، رضا. (۱۳۹۱). "فراغت و سلامت". فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۱۰، ۳۹-۶۴.
- Azevedo, Mario; Araujo, Cora ; Reichert, Felipe; Siqueria, Fernando. (2007). "Gender differences in Leisure Time Physical Activity". International Journal of Public Health, Vol.52, No.1, 8-15.
- Bittman, Michael and Wajcman, Judy. (2000). "The Rush Hour: The Character of leisure Time and Gender Equity". social forces, Vol.79, No.1, 165-189.

- Green, E; Hebron, S and Woodward, D. (1990). **Women's Leisure: What Leisure?** , Hampshire: Macmillan.
- Human, Kinetics. (2010). **Dimension of Leisure for Life**. United States of America: Human Kinetics
- Roberts, K. (1999). **Leisure in Contemporary Society**. London: CABI.
- Rojek, C. (1989). **Leisure for Leisure: Critical Essays**, Macmillan, London.
- Teddlie, Charles; Tashakkori, Abbas. (2009). **Foundations of Mixed Methods Research**, London: Sage.
- Van Eijck, K; Bargeman, B. (2004). **"The Changing Impact of Social Background on Lifestyle"**. Poetics, Vol.32, 439-461.
- Wynne, D. (1998). **Leisure, Lifestyle and the New Middle Class**. London & New York: Routledge.

An Analysis of Gender Difference in Youth Leisure Patterns at Isfahan

Mohammad Taghi Iman

Ph.D., Full Professor in Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran

Maryam Soroush

Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Fars branch, Academic center for education, culture & research, Shiraz, Iran

Yaser Rastegar

Assistant Professor in Sociology, University of Hormozgan, Hormozgan, Iran

Masood Hajbande

Master degree in Geography and Urban Planning, Head of Urban and Research Group, Iran

Received:18 Jun. 2017

Accepted:9 Jul. 2017

The purpose of this paper is to study leisure patterns among young people in Isfahan with special reference to on gender difference. Considering the fact that the world of values, beliefs, and lifestyles can vary among men and women, the authors try to provide answer to the question whether in regard to shaping the pattern of leisure, gender, as a variable, is decisive as it was in the past, or has lost its effects anymore. The method utilized in the study was a mixed one. On the basis of survey method and employment of questionnaire as a tool, leisure patterns were identified among 1748 boys and girls living in Isfahan aging 20-29 years selected through stratified random sampling. Furthermore, in the qualitative section, 27 semi-structured interviews, based on purposive sampling, were conducted on which data analysis and providing qualitative interpretation was accomplished through data coding. On the basis of quantitative results of the study, six leisure patterns can be put into order according to their level of significance among girls studied. The found patterns of leisure are as following: Religious leisure, extra home leisure, domestic leisure, unusual leisure and participatory leisure. On the other hand, boys were identified with six leisure patterns including traditional-Iranian leisure, religious leisure, cultural-artistic leisure, participatory and movies oriented leisure and leisure time spending with friends as well. The results of the qualitative section suggest some of the nuances among leisure

patterns identified among boys and girls; that is, boys are of more active, diverse, and courageous patterns of leisure time in comparison to those of girls' which are contrastively more conservative and passive.

Leisure patterns among young people, in spite of owning some similarities, are still supposed to be influenced by gender, choice and consumption.

Key words: Leisure Patterns, Gender Difference, Mixed Methods, Youth and Isfahan